

تحلیل تطبیقی مؤلفه های امنیت اقتصادی در ایران

ابراهیم گرجی^۱

مسعود هاشمیان^۲

چکیده:

از آنجا که امنیت اقتصادی در سطح کلان ملی چهار چوب نهادینه ای از شرایط متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی است که اعتماد فعالان اقتصادی در درون یک نظام ملی را جلب کرده، و با برخورداری از احساس اعتماد به سیاستگذاران، ارتقای رشد اقتصاد ملی را تضمین می کند، شناخت مؤلفه های آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

این مقاله کوشش دارد تا با اتکای به نظریات مختلف پیرامون امنیت اقتصادی به عنوان مهمترین بعد امنیت ملی پس از جنگ سرد، مؤلفه های اصلی موجد آن را احصاء، محاسبه و تحلیل نماید. بر این مبنا در گام نخست، مؤلفه های امنیت اقتصادی در دو بعد مؤلفه کمی کلان اقتصادی و مؤلفه محیطی فعالیت های اقتصادی، طبقه بندی گردیده اند. در گام بعدی اجزای عمده هر مؤلفه بر مبنای مطالعات نظری و تجربی احصاء شده و پس از آن با استفاده از شاخص مورس، هر مؤلفه در قالب شاخص های قابل تحلیل برای ایران و ۱۰۴ کشور دیگر جهان در طی دوره زمانی ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۲ محاسبه گردید. نهایتاً پس از طبقه بندی نتایج حاصل، شاخص های محاسبه شده ابتدا در دوره زمانی مذکور، به تفکیک مؤلفه های اقتصادی و مؤلفه های محیطی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در مرحله دیگر، ارزیابی تطبیقی هر یک از مؤلفه های مذکور در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان صورت گرفت. سرانجام نیز پیشنهادهای متناسب با نتایج ارائه گردیده است.

کلید واژه ها:

امنیت اقتصادی، مؤلفه های اقتصادی، مؤلفه های محیط اقتصادی.

^۱ - دانشیار و مدیر گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

^۲ - دانش آموخته دکتری مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

□ مقدمه و بیان مسأله

اعتقاد عمومی بر آن است که، امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، به طور فزاینده‌ای، همواره به عنوان یک بعد از امنیت ملی مطرح بوده است [۱]. دانش پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند.

در حالی که به طور سنتی امنیت اقتصادی در استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم، و بنیان اقتصادی قدرت نظامی خلاصه می‌شد، افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی شدن فزاینده موضوعات اقتصادی، باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌های ملی در بعد اقتصادی شده است، زیرا این واحدها بیش از هرزمانی در گذشته، برای تأمین نیازمندی‌های زندگی روزمره به یکدیگر وابسته هستند.

هر چند که بعضی امنیت اقتصادی را «آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در خصوص بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمرات فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد» تعریف کرده‌اند [۲]. به عبارت دیگر امنیت اقتصادی رسیدن به شرایط مورد لزوم برای نیل به محیط مساعد فعالیت اقتصادی پویا، امن و مناسب برای نوآوری، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بوده و با ارتقای استاندارد زندگی جامعه، رشد اقتصادی پایدار را تداوم بخشد [۳]. برای فعالان اقتصادی، امنیت اقتصادی یعنی وضعیتی که در آن واحدهای تولیدی می‌توانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت نمایند. امنیت اقتصادی مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت و امید به آینده می‌شود. بر همین اساس امنیت اقتصادی در سطح کلان اقتصادی چهار چوب نهادینه‌ای از شرایط متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی است که اعتماد فعالان اقتصادی در درون یک نظام ملی را جلب کرده، و با برخورداری از احساس اعتماد به سیاست‌گذاران ارتقای رشد اقتصاد ملی را تضمین کند [۴].

هدف این مقاله تلاش برای تبیین و احصای عوامل اصلی موجد امنیت اقتصادی بر مبنای مرور مطالعات نظری و تجربی می‌باشد.

بنابر این، سئوالات اصلی که این مقاله در پی پاسخ آن است، عبارتند از این‌که: عمده‌ترین عوامل موجد امنیت اقتصادی کدامند؟ و چگونه می‌توان آنها را کمی نمود و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟

□ مرور اجمالی ادبیات موضوع

در دنیای امروز، رویکرد اصلی دولت‌ها در بسترسازی جهت توسعه پایدار، در درجه اول توجه به برقراری امنیت پایدار در بعد اقتصادی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی برای تداوم بقای حکومت و کشور است.

بنابراین پدیده‌های داخلی و خارجی که کنترل اقتصاد ملی را از دست دولت خارج نمایند و در اقتصاد داخلی اختلال ایجاد نمایند می‌توانند از نظر تأثیر شان بر امنیت اقتصادی و بالتبع بر امنیت ملی قابل تأمل و بررسی باشند.

دلیل دیگر اهمیت مقوله اقتصادی در مباحث امنیت ملی در آن است که تحولات اقتصادی عصر حاضر، مفهوم امنیت ملی را دستخوش تحول کرده است. در زمان ما که کشورهای بزرگ و توسعه یافته می‌توانند کشورهای توسعه نیافته و مستعمرات پیشین را از لحاظ اقتصادی به خود وابسته کنند، تأمین استقلال نسبی اقتصادی و فراهم آوردن امکانات خود اتکایی کشورها به ویژه در حوزه فناوری یکی از شرایط پیشبرد مبانی امنیت ملی است. در جهان پس از جنگ سرد، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی، نسبت به راهبردهای خودکفائی ملی، سریع‌تر و گسترده‌تر پذیرفته شده است. این گرایش ناشی از ناتوانی روزافزون دولت‌ها برای ارضای دامنه وسیع نیازهای داخلی از درون و نیز درک فزاینده نفوذ متقابل و عمیق جوامع، توسط دولت‌هاست. در حالی که در جهان امروز کمتر کشوری جرأت دارد که خودکفائی اقتصادی ملی را دنبال نماید ولی در هیچ نقطه از نظام بین‌المللی نیز، همکاری اقتصادی مؤثر و مطمئن جهانی، به طور کامل تحقق نیافته است.

به طور اخص، شاید مهم‌ترین تعامل موجود در درون امنیت اقتصادی، مربوط به این آرزوی سیاستگذاران است که اولاً "اقتصاد ملی در کنترل دولت قرار گرفته و بیشتر نیازهای مادی در داخل تولید گردد و ثانیاً وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهان، براساس اصول کارآیی اقتصادی قرار گرفته و بیشتر نیازهای مادی از خارج کشور تأمین گردد." «گیلپین» این امر را به عنوان "برخوردی میان توانایی نظام داخلی و هنجارهای بین‌المللی" توصیف می‌کند، زیرا در طول زمان "وابستگی متقابل روزافزون اقتصادهای ملی در تجارت، امور مالی و سیاست‌های کلان اقتصادی، مرتباً با اولویتهای اقتصادی و اجتماعی داخلی، در تعارض قرار گرفته است [۵]". آنچه زمینه این تعامل را فراهم می‌سازد، تعارضی است که بین قابلیت رقابت اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی وجود داشته و براین مسأله که امروزه قابلیت رقابت جهانی به سطوحی از وابستگی متقابل متکی و وابسته است، سایه تردید می‌افکند.

به هر حال، عده ای با خوش بینی می گویند موقعی که منابع کالاها و خدمات مورد نیاز بین المللی به قدر کافی متنوع و پراکنده باشد، آسیب پذیری مهمی از ناحیه اختلال خارجی بوجود نمی آید. [۶] «موران»^۱ معتقد است که انتخاب کنترل اقتصاد ملی از طریق تأمین داخلی نیازها، در حال از بین رفتن است، زیرا باتوجه به گسترش پیشرفت های فنی در سرتاسر جهان، رسیدن به خودکفائی در فناوری های پیشرفته، مانند سایر انواع خودکفائی، به طور روزافزون پرهزینه، فاقد کارائی و در نهایت غیرممکن می باشد.

دلیل دیگری برای نظریه "موران"، مربوط به تمرکز و استاندارد شدن تولید جهانی از یک طرف، با تعقیب مزیت رقابتی ملی و نوآوری کارفرمایی خصوصی از طرف دیگر است، که با یکسان شدن فزاینده و جهانی سلیقه ها، محصولات و روش های تولید در اثر انتقال روزافزون فناوری، تعارض دارد.^۲

«رایش»^۳ معتقد است که "ما در دورانی از تحول زندگی می کنیم که سیاست و اقتصاد قرن آینده (منظور قرن ۲۱ است) را تغییر خواهد داد؛ قرنی که در آن هیچ گونه محصول یا فناوری ملی، یا شرکت و صنعت ملی وجود نخواهد داشت." [۷:۳] این گونه ملیت زدائی از مالکیت و کنترل، آشکارا این مسأله را که چه کسی محصول و بازده نهایی را به خود اختصاص می دهد، مبهم کرده است. به علاوه، آنچه قبلاً در مورد غلبه سرمایه گذاری خارجی بر تجارت خارجی ذکر شده، باعث کاهش توان سیاست گذاران ملی برای نظارت یا مدیریت جریان ورود و خروج کالاها و خدمات مؤثر بر رفاه کشور شده است. پایان جنگ سرد از بسیاری جهات باعث شده که رقابت نظامی جای خود را به رقابت اقتصادی بدهد. [۸:۱۴] به طور کلی رشد اقتصادی به خاطر قابلیت لمس و مشاهده سریع آن در جامعه، در این رقابت جهانی بر سر موضوعات مربوط به توزیع اقتصادی داخلی و خارجی، در دستور کار اقتصاد ملی اولویت یافته است.

بر مبنای آنچه که گفته شد اجماع نظر این اندیشمندان آن است که؛ جنبه های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد

^۱ Moran, Theodore H.

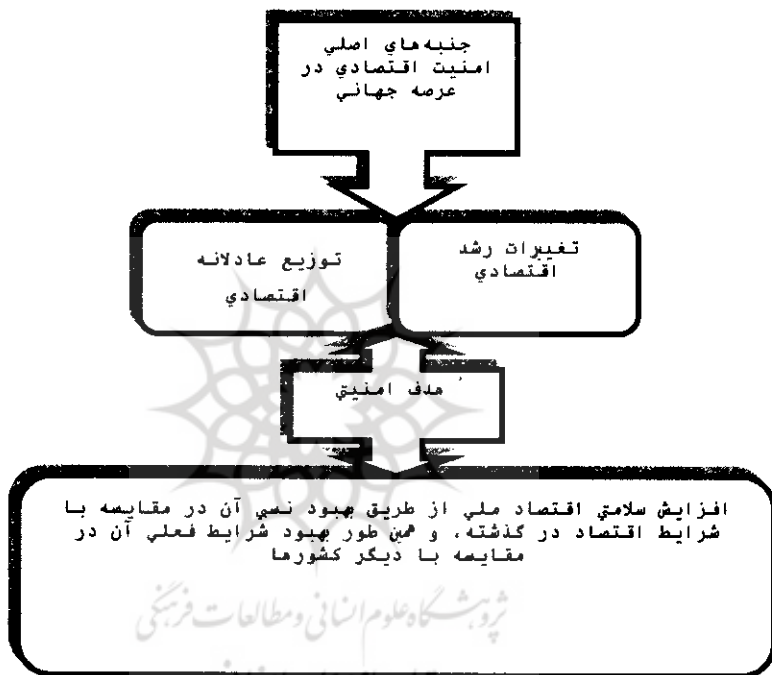
^۲ - آخرین وجه تعامل امنیت اقتصادی با جهانی شدن، مربوط به راهبردهای مبادلات اقتصادی است؛ به عبارتی ملی گرایی اقتصادی و سیاست های حمایتی، شامل ایجاد موانعی مانند تعرفه ها و اعمال سهمیه های وارداتی جهت محصولات خارجی، و یارانه های دولتی به محصولات داخلی، در تقابل کامل با شرایط حاکم بر بازار آزاد جهانی قرار دارد، شرایطی که حکم به انتقال آزاد و آسان کالا و خدمات از مرزهای ملی می نماید. حالت اول، با مدیریت یک جانبه مسائل مشترک اقتصادی، بیشتر همبسته است و حالت دوم، مستلزم مدیریت چند جانبه مسائل مزبور می باشد.

^۳ - Robert B. Reich

در گذشته، و همین طور بهبود شرایط فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها می باشد [۹:۱۱۵]، نمودار شماره (۱)۱.

علاوه بر عوامل اقتصادی مذکور، مطالعات نظری و تجربی دیگر نیز بر عامل ثبات رشد به عنوان علامت مهمی در تضمین سلامت فعالیت های اقتصادی و تصمیم گیری برای توسعه این فعالیت ها تأکید دارند.

نمودار شماره (۱) جنبه ها و هدف اصلی امنیت اقتصادی کشورها



در مطالعات بانک جهانی با توجه به اهمیت ثبات اقتصادی، برخی از اقتصاد دانان به بررسی اثرات سیاست های دولت بر رشد اقتصادی پرداختند که از آن جمله می توان به لوین و رنلت (۱۹۹۰)، فیشر (۱۹۹۳، ۱۹۹۱)، حاجی مایکل و گورا (۱۹۹۴)، بلینی (۱۹۹۵) و اندرسون و گروئن (۱۹۹۵) اشاره کرد. فیشر از جمله کسانی است که به اهمیت ثبات اقتصاد کلان پی برده و به طور صریح به آن توجه کرده است.

به این ترتیب در مقاله حاضر مؤلفه های کلان اقتصادی در قالب سه شاخص عمده رشد، ثبات اقتصادی و توزیع، تجلی می یابند. این هر سه شاخص، از طریق مظاهر کمی خود می توانند به سیاستگذاران اقتصادی، در مورد تصمیماتشان هشدار دهند. با این وجود، عوامل دیگری نیز وجود دارند که محیط و فضای فعالیت های اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و بر تغییرات عوامل کمیت پذیر اقتصاد کلان مؤثرند. این عوامل که خود متأثر از میانی فلسفه اقتصادی می باشند، امروزه از نظر تمامی تحلیل گران مسائل توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته اند.

در این خصوص نظرات "فردریش فون هایک" و "میلتون فریدمن" از آنچنان صراحتی برخوردار بوده که حتی سرلوحه تحلیل نهاد گرایان جدید در مباحث تجربی امنیت اقتصادی قرار گرفته است. تحلیل ارتباط بین تحول، کارآفرینی اقتصادی، رشد و در نهایت نیل به رفاه و توسعه، با ایجاد فضایی امن، آزاد و دارای نظم، برای فعالان اقتصادی در جامعه، از ملاحظات اساسی این متفکران می باشد. [۱۱] و [۱۰]

"فریدمن" در آثار خود بر ارتباط بین آزادی های فردی و رعایت حقوق شهروندی با افزایش توان زایش اقتصادی، بسیار قلم فرسایی کرده است. حاصل مباحث وی را می توان در این عبارت خلاصه نمود که: «اگر برای فعالان اقتصادی فضایی امن که در آن، امکان آزادی انتخاب و آزادی عمل در چارچوب یک نظام حقوقی بدون تبعیض وجود داشته باشد، فعالیت های اقتصادی در چنین فضایی از رشد و رونق فزاینده ای برخوردار خواهند شد.»

صندوق بین المللی پول IMF به عنوان یکی از نهادهای بین المللی فعال در اقتصاد جهانی مطالعاتی را در سال ۱۹۹۹ پیرامون امنیت اقتصادی انجام داد که در آنها محققان با رویکرد نهادگرایی جدید، عمدتاً عوامل غیر اقتصادی را مبنای تأثیر بر امنیت اقتصادی قراردادده بودند. "استرلی" و "لویس" ۲ نشان دادند که تبعیضات نژادی بر رشد اقتصادی مؤثر است. "مورو" ۳ نشان داد که سرمایه گذاری به وسیله فساد، سیستم قضایی و تشریفات زاید اداری تحت تأثیر قرار می گیرد. وی مجموع این سه عامل را با "شاخص کارایی بوروکراسی" نشان داد.

"آلسینا" و دیگران ۴ به این نتیجه دست یافتند که ثبات سیاسی هم در طول زمان و هم بین کشورهای مختلف با رشد اقتصادی مرتبط است. "گیاما"، "برامپنگ" و "تراینر" ۵ نشان

۱- برداشت محقق از کتاب سرمایه داری و آزادی میلتون فریدمن.

۲-Easterly and Levine, 1997

۳-Mauro, 1995

۴-Alesina and Others, 1992

۵-Gyiamah, Brempong and Tarynor, 1996



دادند که ثبات سیاسی، پس انداز و رشد اقتصادی را در آفریقا تحت تأثیر قرار می‌دهد. "سرون" ۱ با کنترل اثرات کشوری نشان داد که سرمایه‌گذاری خصوصی به طور معنی‌داری تحت تأثیر آزادیهای شهروندی قرار می‌گیرد. "حاجی میکائیل" و "غورا"، با کنترل نااطمینانی‌های اقتصاد کلان دریافتند که آزادی‌های شهروندی و حقوق سیاسی اثرات مهم و قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای آفریقایی داشته است [۱۲].

در ایران نیز "سیاست‌های کلی ابلاغی نظام در مورد امنیت اقتصادی"، از جمله سیاست‌هایی است که در حوزه نهاد سازی برای گسترش امنیت اقتصادی در جامعه، به استناد مطالعاتی ویژه ایران، جنبه اجرایی یافته است، سیاست‌های کلی نظام در مورد امنیت اقتصادی به شرح زیر می‌باشد:

حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.

نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

چنان که مشاهده می‌شود، ایجاد محیطی امن برای ارتقای رشد اقتصادی از طریق وضع مقررات مناسب برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و عدم تبعیض برای فعالان اقتصادی در بخش‌های مختلف، از طریق برقراری شرایطی عادلانه و یکسان برای فعالیت اقتصادی، جهت ایجاد رفاه عمومی، رونق اقتصادی، زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور، روح این سیاست‌ها را تشکیل می‌دهد.



مؤلفه های اصلی شاخص امنیت اقتصادی

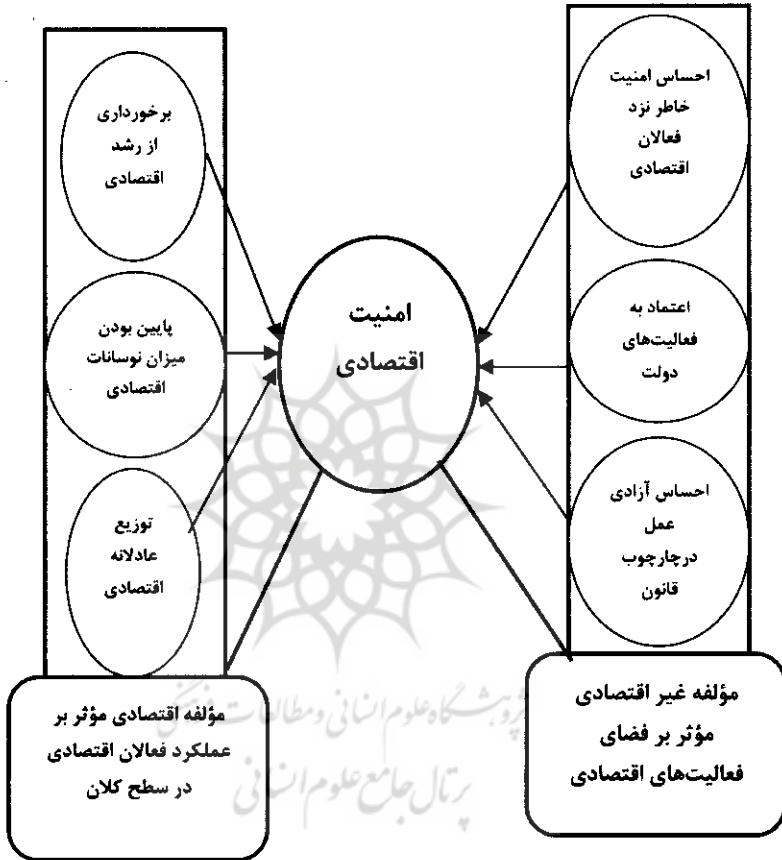
بر مبنای نتایج مطالعات نظری، عملیاتی نمودن تعریف امنیت اقتصادی، بر مبنای چارچوبی که مانند ارائه داده، مستلزم توجه به مؤلفه های اقتصادی و مؤلفه های محیطی است. بنابراین باید اولاً این عوامل را با اتکا به مباحث نظری و تجربی تعریف و تبیین نمود. ثانیاً باید به این نکته توجه داشت که در طراحی شاخص امنیت اقتصادی تنها مجموعه مؤلفه اقتصادی و یا تنها مجموعه مؤلفه محیطی نمی تواند به تنهایی کاربرد داشته باشد. بنابراین شاخص امنیت اقتصادی یک شاخص دو بعدی و ترکیبی است. دلیل این امر آن است که نمی توان وجود فضای امن برای فعالیت اقتصادی را به تنهایی نشان دهنده امنیت اقتصادی دانست، چرا که ممکن است شاخص های واقعی عملکردی اقتصاد به حدی ناکارآمد باشند که جامعه در حد زندگی بدوی قرار داشته باشد. بالعکس در تعریف عملیاتی شاخص امنیت اقتصادی، صرفاً به شاخص های واقعی معرف عملکرد اقتصادی نیز نمی توان اکتفا نمود چرا که ممکن است عملاً رشد اقتصادی در فضایی کاملاً مستبدانه، انحصارگرایانه و با پایمال شدن حقوق اساسی انسان ها در جامعه، تحقق یافته باشد، که نتیجه آن با تعریف مورد نظر مغایر است. بنابراین انتخاب یک شاخص ترکیبی از دو مجموعه عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی، بهترین گزینه برای نشان دادن واقعیت های امنیتی در بُعد اقتصادی است.

مانند در نظریه امنیت اقتصادی در فرآیند جهانی شدن اقتصاد بر روی دو عامل رشد و توزیع تأکید می نماید. مطالعات نظری و تجربی دیگری نیز بر عامل ثبات رشد به عنوان علامت مهمی در تضمین سلامت فعالیت های اقتصادی و تصمیم گیری برای توسعه این فعالیت ها تأکید دارند. به این ترتیب در مقاله حاضر مؤلفه های کمی کلان اقتصادی که می توانند معرف میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات هم از طریق مجرای عملکرد داخلی و هم از طریق حضور در بازارهای بین المللی باشند، در قالب سه شاخص عمده رشد، ثبات اقتصادی و توزیع، تجلی می یابند.

بر مبنای مطالعات تجربی نهادگرایان صندوق بین المللی پول، در این مقاله، مؤلفه محیطی عمده ای که بتواند موجب تحقق این تعریف در فضایی کاملاً امن و اطمینان بخش برای تداوم پایداری و ثبات امنیت اقتصادی گردد در سه شاخص، احساس امنیت خاطر نزد فعالان اقتصادی، احساس آزادی عمل در چارچوب قانون و اعتماد به فعالیت های دولت قابل تعریف است. بنابراین، مؤلفه های اقتصادی و غیر اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی را می توان در قالب مدل زیر نشان داد:

نمودار شماره (۲) اجزای مؤلفه های اقتصادی و غیر اقتصادی

شاخص امنیت اقتصادی



روش تدوین شاخص مؤلفه اقتصادی و شاخص مؤلفه غیر اقتصادی

با توجه به نمودار شماره (۲) اجزای مؤلفه های اقتصادی و غیر اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی را می توان در قالب مفاهیم ریاضی نیز تبیین نمود. بر این اساس، مفهوم ریاضی هر یک از دو مجموعه عوامل تشکیل دهنده مؤلفه های Z_1 و Z_2 را می توان به صورت توابع زیر تعریف نمود:

$$Z_1 = f(e_1, e_2, e_3)$$

شاخص مؤلفه اقتصادی

$$Z_2 = f(ee_1, ee_2, ee_3)$$

شاخص مؤلفه غیر اقتصادی

که در آن هریک از متغیرهای e_1 و e_2 و e_3 می توانند شاخص نماینده رشد اقتصادی، شاخص ثبات یا بی ثباتی و شاخص توزیع عادلانه اقتصادی، باشند. شاخص مؤلفه محیط اقتصادی نیز مشتمل بر متغیرهای ee_1 و ee_2 و ee_3 است که به ترتیب؛ معرف شاخص های کمی احساس امنیت خاطر، احساس آزادی عمل و اعتماد فعالان اقتصادی به فعالیت های دولت می باشند. نمودار (۳) ارتباط هر یک از مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیط اقتصادی با عوامل زیر مجموعه خود^۲ را نشان می دهد.

به جهت ضرورت قابلیت ارزیابی تطبیقی شاخص های منتخب، لازم است که عوامل مذکور بر مبنای شاخص هایی در این حوزه انتخاب شوند که اولاً از مقبولیت بین المللی برخوردار باشند و ثانیاً اطلاعات آن به صورت مقادیر کمی محاسبه شده وجود داشته باشد. از این رو برای دو شاخص احساس امنیت خاطر و احساس آزادی عمل فعالان اقتصادی، به ترتیب از شاخص های رعایت حقوق شهروندی و آزادی های سیاسی که هر ساله توسط "ریموند گاستیل"^۳ مدیر مؤسسه «خانه آزادی»^۴ محاسبه و منتشر می شوند، استفاده شده است. برای نشان دادن اعتبار دولت ها نزد فعالان اقتصادی از شاخص کمی و مقبول بین المللی که به شاخص راهنمای بین المللی ریسک کشوری^۵ (ICRG) نیز مشهور می باشد، استفاده شده است^۶ دلیل انتخاب این شاخص به عنوان شاخص نماینده اعتماد به فعالیت های دولت آن بود که وقتی دولتی از نظر فعالان اقتصادی خارجی مورد وثوق باشد، به احتمال بسیار زیاد از نظر فعالان داخلی نیز مورد اعتماد است^۷.

^۱ Economic Environment Factors = ee

^۲ - برای یاد آوری اشاره می کند که دو عامل رشد و توزیع عادلانه اقتصادی بر مبنای نظریه ماندل و عامل بی ثباتی اقتصادی به عنوان نمادی از آسیب پذیری اقتصادی، که خود از طیف گسترده ای از متغیرهای کلان اقتصادی تشکیل می شوند، به عنوان متغیرهای اصلی تشکیل دهنده مؤلفه اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی تعیین گردیده اند. عوامل محیطی نیز بر مبنای مهمترین عوامل مورد تاکید نهاد گرایان بویژه در تحلیلهای صندوق بین المللی پول، برگزیده شده اند.

3- Raymond Gastil

4 - Freedom house

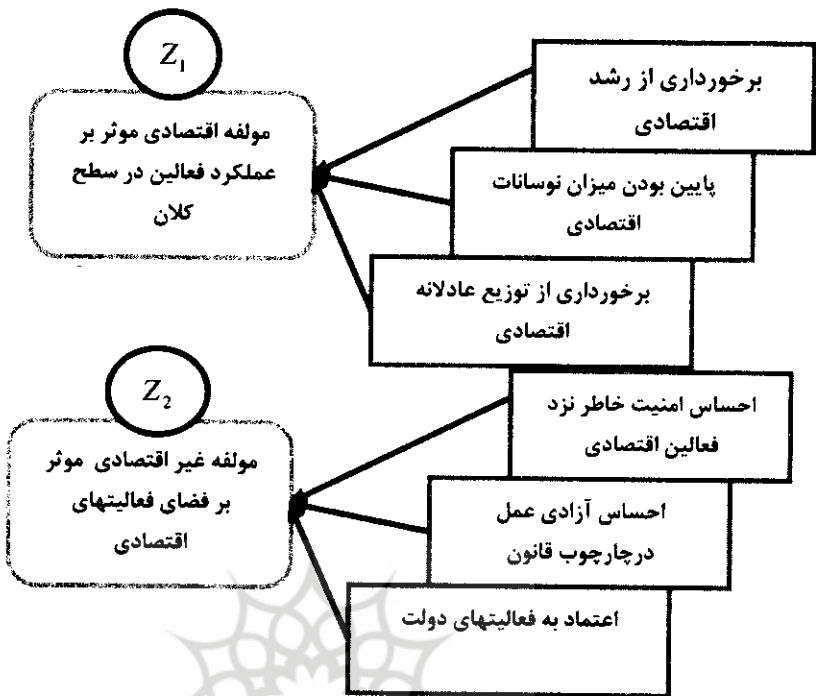
5- International Country Risk Guide

۶- این شاخص توسط بانک جهانی هر ساله منتشر می شود.

۷ - هرچند که ممکن است در محاسبات بعضی از اجزای این شاخص قضاوت های ارباب داری نیز نسبت به یک کشور وجود داشته باشد، اما در مجموع اجزای دیگری در آن وجود دارند که ممکن است موجب رفع این عیب گردد.



نمودار (۳) ارتباط هر یک از مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیط اقتصادی با عوامل زیر مجموعه خود



در آخرین مرحله برای محاسبه شاخص مؤلفه های اقتصادی که هر یک اکنون به عنوان یک متغیر ترکیبی، از متغیرهایی با جنسیت مختلف، مطابق روابط (۱) و (۲) تعریف شده اند، استفاده از تکنیک های آماری بی مقیاس کردن لازم می آید. به این منظور از روش بی مقیاس کردن فازی استفاده شده است که در مطالعات تجربی مختلف بین المللی، به عنوان «روش موریس» یا «شاخص موریس» شهرت یافته است [۱۵۲-۱۵۱: ۱۳]. در روش موریس برای بی مقیاس کردن فازی شاخص های مختلف تشکیل دهنده مؤلفه های اقتصادی و غیر اقتصادی امنیت اقتصادی، از تبدیلات غیر خطی آماری استفاده می شود. مزیت استفاده از روش موریس نسبت به سایر روشها، اولاً در همین غیرخطی بودن تبدیلات آماری آن بوده و ثانیاً در آن است که می توان ترکیب مختلفی از شاخص ها با جنسیت های گوناگون را در این روش با از بین بردن ارتباط خطی و باهم، به کار گرفت.

این تبدیلات برای هر شاخص (X_{ij}) که جنبه مثبت دارد مانند رشد اقتصادی به صورت زیر است:

رابطه (۱)

$$n_{ij} = \frac{r_{ij} - r_j^{\min}}{r_j^* - r_j^{\min}}$$

و برای هر شاخص با جنبه منفی مانند بی ثباتی رشد نیز از رابطه تبدیلی زیر در شاخص موریس استفاده می شود، به طوریکه در نهایت شاخص نهایی هرچه بالاتر باشد، بهتر خواهد بود:

رابطه (۲)

$$n_{ij} = \frac{r_j^* - r_{ij}}{r_j^* - r_j^{\min}}$$

در روابط فوق n_{ij} شاخص های بدون بعد، r_{ij} ارزش هر عنصر از عوامل مربوط به مؤلفه های اصلی و $r_j^* = \max_i r_{ij}$ می باشد (۱۹۹۱-۱۹۹۱: ۱۴). نتیجه آن که پس از انجام محاسبات کمی هر یک از عوامل مؤلفه های مورد نظر، شاخص نهایی از میانگین ساده آنها به آسانی محاسبه می شود.

مجموعه متغیرهایی که به این ترتیب مبنای محاسبه قرار گرفته اند به شرح زیر می باشند:

۱- شاخص نرخ رشد اقتصادی^۱ برای کلیه کشورها از مرجع بانک اطلاعات شاخص های توسعه جهانی (WDI) مربوط به بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ استخراج گردید.

۲- اگر چه شاخص ضریب جینی بهترین شاخص برای توزیع عادلانه درآمدی می باشد، اما به دلیل آن که، این شاخص برای تعداد زیادی از کشورها و یا برای بعضی از سال ها در مرجع اصلی گزارش نگردیده بود، برای محقق امکان استفاده از آن در برآورد مؤلفه اقتصادی شاخص امنیت اقتصادی وجود نداشت. به همین دلیل از شاخص جایگزین مناسبی که اطلاعات آن به طور کامل برای تمامی کشورهای جهان موجود بود، استفاده گردید. این شاخص تحت عنوان سهم جمعیت دارای درآمد کمتر از دو دلار در روز از کل جمعیت^۲

^۱ . GDP growth (annual) (%)

^۲ . Poverty headcount ratio at \$2 a day (PPP) (% of population)



برحسب قدرت خرید نام دارد. که به اختصار سهم جمعیت در خط فقر از کل جمعیت هم گفته می شود.

۳- شاخص بی ثباتی رشد اقتصادی که با استفاده از بانک اطلاعاتی بانک جهانی (WDI) و با استفاده از شاخص بلانچارت ۱ توسط محقق برای ایران و کلیه کشورها ساخته شده است.

۴- اطلاعات شاخص راهنمای ریسک کشوری که به عنوان مناسب ترین شاخص جایگزین برای نشان دادن اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی بکار برده شده است از بانک اطلاعاتی مرجع (WDI) برای تمامی کشورها استخراج گردیده است.

۵- برای اطلاعات مربوط به شاخص های حقوق شهروندی و رعایت آزادی های سیاسی از بانک اطلاعاتی "خانه آزادی"^۲ که همه ساله توسط "ریموند گاستیل" منتشر می شود و دارای اعتبار بین المللی نزد مراجع تحقیقاتی است، استفاده شده است.

جامعه آماری منتخب، در برگیرنده ۲۰۸ کشور و مجمع الجزایر مستقل جهان^۳ بر مبنای اطلاعات منتشره توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ میلادی می باشد که اطلاعات اقتصادی برای بیشتر کشورها تا سال ۲۰۰۳ در آن گزارش شده است. علت انتخاب این بانک اطلاعاتی، ضرورت همگنی و یکنواخت بودن داده های آماری برای کشورهای مورد مطالعه، در فرآیند تحقیق علمی، می باشد. در این بانک اطلاعاتی دو گونه دسته بندی برای کشورها وجود دارد. در یک دسته بندی، بانک جهانی کشورها را برحسب گروه های درآمدی تقسیم بندی کرده است. در این دسته بندی کشورها برحسب میزان درآمد سرانه به کشورهای، کم درآمد، با درآمد کمتر از متوسط با درآمد بیشتر از متوسط و کشورهای پر درآمد، تفکیک شده اند.^۴ در دسته بندی دیگر کشورها برحسب منطقه جغرافیایی که در آن قرار گرفته اند، طبقه بندی شده اند. در این مقاله برای تحلیل نتایج از هر دو دسته بندی استفاده شده است. نمونه آماری در محاسبه مؤلفه های شاخص امنیت اقتصادی به کشورهایی که هم از نظر جغرافیایی و هم

۱ - برای محاسبه شاخص مذکور ابتدا تولید ناخالص داخلی (GDP) جامعه آماری این مقاله استخراج و سپس با تخمین معادله روند مذکور در طی سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۲ به برآورد تولید ناخالص داخلی در هر سال پرداخته و در نهایت با برآورد مقدار پسماند معادله به عنوان شاخص میزان بی ثباتی لحاظ گردید.

۲. FREEDOM HOUSE

۳. These tables classify all World Bank member countries (184), and all other economies with populations of more than 30,000 (208 total)

۴. Income group: WDI; Economies are divided according to 2005 GNI per capita, calculated using the World Bank Atlas method. The groups are: low income, \$875 or less; lower middle income, \$876 - \$3,465; upper middle income, \$3,466 - \$10,725; and high income, \$10,726 or more

از نظر گروه درآمدی متفاوت بوده اند، محدود گردید. دوره زمانی مورد بررسی، ۲۳ سال و چنان که گفته شد از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ را در بر می گیرد.

□ نتایج تحقیق

بررسیهای انجام شده در این مقاله نشان داد که، عمده ترین عوامل موجد امنیت اقتصادی در قالب دو مؤلفه اقتصادی و مؤلفه عوامل محیط اقتصادی قابل دسته بندی می باشند. در بعد مؤلفه اقتصادی مهم ترین عوامل عبارتند از رشد اقتصادی، ثبات آن و توزیع عادلانه درآمدها. در بعد مؤلفه عوامل محیطی، مهمترین عوامل عبارتند از، احساس امنیت خاطر نزد فعالان اقتصادی، احساس آزادی عمل در چارچوب قانون و اعتماد به فعالیتهای دولت. در پاسخ به این که چگونه می توان آنها را کمی نمود و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ باید به نتایج بررسی های کمی به شرح زیر توجه نمود:

محاسبه شاخص های مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیطی مؤثر بر امنیت اقتصادی مطابق روابط (۱) و (۲) پیش گفته با استفاده از روش شاخص مورس و بی وزن کردن فازی صورت گرفته و نتایج آن در قالب نمودارهای جداگانه ای برای ایران و کشورهای مختلف جهان در گروه های مختلف در آمدی و جغرافیایی دسته بندی گردید. این شاخص ها برای ایران و ۱۰۴ کشوردیگر جهان و برای هریک از سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ محاسبه گردیده اند که این امر حداقل در ایران کاملاً بدیع بوده است. نتایج محاسبه شاخص عوامل محیطی Z_2 و شاخص عوامل اقتصادی Z_1 بر اساس بانک اطلاعاتی مقاله و طبقه بندی های درآمدی و جغرافیایی بانک جهانی، در قالب نمودارهای مستقلی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

نتایج محاسبه شاخص های مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیطی مؤثر بر امنیت اقتصادی ایران، مطابق روابط (۱) و (۲) در نمودار شماره (۴) نمایش داده شده است. نمودار مشاهدات آماری این دو مؤلفه در ایران، نشان دهنده آن است که تغییرات مؤلفه اقتصاد کلان در تمامی دوره ها از تغییرات مؤلفه محیطی بالاتر و پرنوسان تر بوده است. برعکس مشاهدات مربوط به مجموعه مؤلفه محیط اقتصادی ایران، مؤید سطح بسیار پایین تر و نوسانات بسیار کمتری از مؤلفه اقتصادی می باشند. در نتیجه کاستن از ضریب مؤلفه اقتصادی با توجه به اهمیت این دسته از مؤلفه در شاخص امنیت اقتصادی موجب کمتر برآورد کردن این شاخص حداقل برای اقتصاد ایران، می باشد.

مقایسه مشاهدات آماری ناشی از محاسبه شاخص های مذکور مؤید بالاتر بودن وزن و اهمیت مؤلفه اقتصادی، می باشد، که این مسأله با مشاهده نتایج محاسبه این دوشاخص در کشورهای هم گروه ایران از نظر درآمدی قابل تأیید است.

نمودار شماره (۴) روند شاخص های مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیطی اقتصاد ایران



نتیجه کلی تحلیل مؤلفه های اصلی تشکیل دهنده شاخص امنیت اقتصادی ایران را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

الف- میزان شاخص بی وزن شده مؤلفه اقتصادی همواره از میزان شاخص بی وزن شده مؤلفه محیطی به مراتب بسیار بیشتر بوده و این امر مؤید آن است که عوامل کلیدی اقتصاد کلان در ایران از وزن بیشتری در شاخص امنیت اقتصادی برخوردار است.

ب- شاخص مؤلفه اقتصادی نسبت به شاخص مؤلفه محیطی از نوسانات بیشتری برخوردار بوده و با توجه به تأثیر گذاری بیشتر آن در شاخص امنیت اقتصادی، حداقل برای اقتصاد ایران حتماً باید در ساختار این شاخص دیده شود.

پ- شاخص مؤلفه محیطی اقتصاد کلان دارای روندی نسبتاً با ثبات و یکنواخت بوده که نشان می دهد، دادن وزن بیشتر به آن، موجب کمتر برآورد کردن شاخص امنیت اقتصادی و در نتیجه خنثی کردن اثر بالاتر مؤلفه اقتصادی می گردد.

چنان که مشاهده می شود، در سال های ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۴ تغییرات دو شاخص هم جهت بوده است. در این سال ها اگرچه ایران در ابتدای دوران جنگ تحمیلی می باشد اما در عین حال در دوران تثبیت حاکمیت جدید خود نیز هست و تغییر در قوانین و مقررات و فضای فعالیت های اقتصادی به نوعی در رفتار متغیرهای کلان اقتصادی انعکاس می یابد. در عین حال به دلیل اقتصاد جنگی، فعالیت های اقتصادی به ویژه تولید و صادرات نفت خام، به عنوان مهمترین فعالیت اقتصادی ایران در پایین ترین سطح خود، در جریان بوده است. اوج این کاهش در شرایط جنگ نفتکش ها و حمله به شهرها در سال های آخر دوران جنگ است.

مؤلفه اقتصادی تشکیل دهنده شاخص امنیت اقتصادی در طول سال‌های جنگ تحمیلی (۱۹۸۸-۱۹۸۰) همواره نسبت به سال‌های پس از آن، بسیار پایین تر بوده اند. این امر قطعاً بر شاخص امنیت اقتصادی نیز به همین ترتیب مؤثر بوده و پیش بینی می شود که باعث قرار گرفتن شاخص امنیت اقتصادی در طی این سال‌ها در سطح بسیار نازل تری نسبت به دوره های بعدی شده باشد.

از آنجا که اولاً تهدید جنگ و اولویت برنامه های دفاع از تمامیت ارضی کشور در طی دوره فوق بسیار زیاد بوده است و مؤلفه نظامی امنیتی شاخص امنیت ملی کشور دارای بالاترین وزن بوده، و ثانیاً به دلیل تهدید جنگ تمامی منابع اقتصادی مورد تهدید قرار گرفته و فعالیت‌های اقتصادی رو به کاهش گذاشته بود، شاخص مؤلفه اقتصادی در پایین ترین مقادیر خود پس از انقلاب اسلامی قرار داشته و می توان گفت که در این دوره شاخص مؤلفه اقتصادی کاملاً منطبق با واقعیت های تجربی بوده است.

شاخص مؤلفه محیطی پس از آغاز برنامه اول و تثبیت اوضاع پس از جنگ افزایش یافته و سپس همان روند یکنواخت قبلی را در سطح بالاتری ادامه می دهد.

شاخص مؤلفه اقتصادی در دوران بازسازی اقتصادی (۱۹۹۶-۱۹۸۶) دارای روندی صعودی بوده است. در این دوره شاخص محاسباتی کاملاً با شرایط اقتصادی واقعی منطبق است و نوسانات آن در هر سال مطابق با سیاست‌های اقتصادی قابل توجیه است. به عنوان مثال بازگشت در سیاست تعدیل اقتصادی در سال ۱۹۹۴ منجر به افت شاخص مؤلفه اقتصادی شده اما این امر با توجه به روند رشد اقتصادی در سال‌های بعدی جبران شده و مجدداً در سال ۱۹۹۶ ارتقا می یابد. در دوره بعدی با اولویت یافتن مسائل سیاسی جامعه نسبت به مسائل اقتصادی، شاخص مؤلفه اقتصادی از بالاترین میزان خود در سال ۱۹۹۴، ابتدا کاهش ۲۰ درصدی را تجربه کرده و سپس با یک نوسان ۱۵ درصدی کم کم روندی آرام و رشد یابنده ای را از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ دنبال نموده و در این سال به حدود ۷۰ درصد می رسد. اگر چه بروز بحران مالی شرق آسیا و کاهش تقاضای نفت واقعه مهمی برای اقتصاد ایران تلقی می شد اما نتایج به ثمر رسیدن طرح های اقتصادی دوران قبل تا حدودی جلوی کاهش بیش از حد شاخص های کلان اقتصادی را گرفت و مجدداً این شاخص را در مسیر رو به صعود قرار داد. اما با این وجود کاهش شدید قیمت نفت در این سال‌ها تأثیر زیادی بر کاهش درآمد های کشور داشته و باعث نوسان این شاخص در این دوره گردیده است.

در مقابل، شاخص مؤلفه محیط اقتصادی اگر چه از شاخص مؤلفه اقتصادی در سطحی کمتر قرار داشته است، اما دارای روندی نسبتاً آرام و یکنواخت در طی دوره مورد مطالعه (۲۰۰۲-۱۹۸۰) بوده است. این شاخص چنان که گفته شد، در طی چهار سال ابتدای دوره

جنگ که به نوعی سال‌های تثبیت انقلاب اسلامی بوده دارای تغییراتی هماهنگ با تغییرات شاخص مؤلفه اقتصادی است. این امر نشان دهنده جوان بودن مدیریت و سیاستگذاری در بخش دولتی به ویژه از نظر فعالان اقتصادی در جامعه می باشد. شاید همین امر توجیه کننده روند بیشتر مهاجرت نیروی انسانی و سرمایه در این دوره به خارج از کشور نیز باشد. اما در سال‌های پس از آن به همراه توجه مجدد به برنامه ریزی توسعه به ویژه از سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، به بعد، این شاخص به اوج خود می رسد و پس از آن مجدداً روند کاهشی را در پیش می گیرد. اما این روند در سطحی نسبتاً بالاتر نسبت به دوره اولیه است. با بروز تغییرات جدید در چهره سیاسی کشور و آغاز برنامه سوم توسعه (۱۹۹۷-۱۹۹۹)، شاخص مذکور مجدداً اوج گرفته ولی به سرعت روندی کنواخت قبلی را در سطحی نسبتاً بالاتر طی سال‌های (۲۰۰۲-۱۹۹۹) در پیش می گیرد.

به نظر می رسد که مهمترین عامل تأثیرگذار بر شاخص مؤلفه محیطی عامل اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی می باشد. اگر چه این احتمال وجود دارد که شاخص نماینده اعتبار دولت یا (ICRG) که خود یک شاخص ترکیبی است و مبین نگاه بین المللی به دولت ایران یا ارزیابی فعالان اقتصادی خارجی نسبت به دولت می باشد، شاخص کاملاً مناسبی نباشد، اما باید توجه نمود که دولت ایران، دولتی است کاملاً وابسته به درآمدهای نفتی که همواره در این سال‌ها نقش اول تصدی را در اقتصاد ایران ایفا نموده است. بنابراین در سال‌هایی که کشور تحت تأثیر نتیجه جنگ و یا تحت تأثیر کاهش شدید قیمت‌ها به سر می برده، توانایی مدیریت اقتصادی دولت به دلیل محدودیت‌های درآمدی، کاهش یافته و از این جهت اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی تنزل یافته است. چنین تحلیلی اولاً، با واقعیت‌های تاریخی اقتصاد کشور کاملاً منطبق است و ثانیاً، نشان دهنده آن است که شاخص (ICRG) نماینده مناسبی برای نشان دادن تغییرات عامل محیطی اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی بوده است.

تحلیل مقایسه ای مؤلفه اقتصادی و محیطی ایران با سایر مناطق جهان

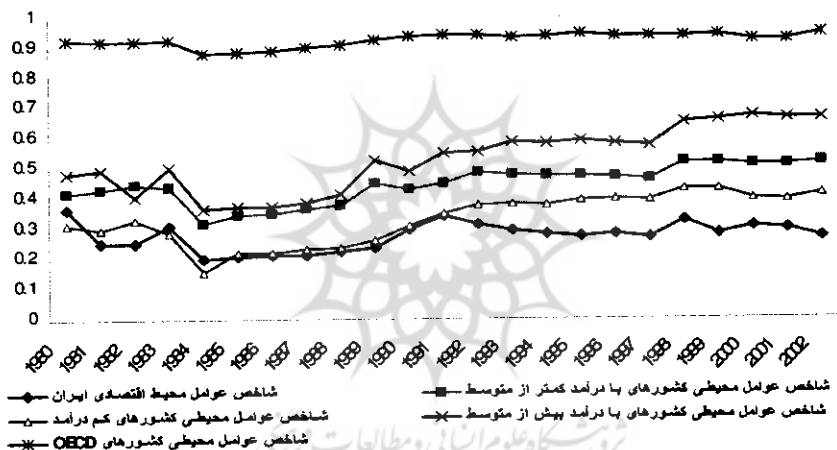
تحلیل مقایسه ای مؤلفه اقتصادی و مؤلفه محیطی اقتصاد ایران با سایر مناطق از دو جنبه قابل اهمیت است. اولاً بررسی نتایج محاسبه این شاخص‌ها از طریق تطبیق آن با واقعیت‌های اقتصادی و ثانیاً مقایسه وضعیت ایران از نظر این شاخص‌ها با همین شاخص‌ها در سایر مناطق مختلف جهان^۱.

الف - تحلیل مقایسه ای شاخص مؤلفه محیطی اقتصادی ایران با جهان:

^۱ ذکر این نکته نیز ضروری است که در گروه‌های ارزیابی، ملاک، میانگین شاخص مورد نظر، بوده است.

بر مبنای نتیجه محاسبات که در نمودار شماره (۵) مشاهده می شود، شاخص مؤلفه محیط اقتصادی ایران در مقایسه با میانگین این شاخص برای سایر گروه های درآمدی، در تمامی دوره مورد بررسی پایین تر از تمامی گروه کشورهای جهان در این طبقه بندی است. حتی میانگین این شاخص برای کشورهای کم درآمد جهان نیز به استثنای دو سه سال بالاتر از این شاخص برای ایران است. هر چند این امر می تواند ناشی از قضاوت های خارجی نسبت به ایران که در شاخص های حقوق شهروندی، آزادی های سیاسی و شاخص نماینده اعتبار دولت یا (ICRG) نهفته است، باشد، اما این نکته نیز مجدداً قابل تذکر است که شاخص های استاندارد جهانی دیگری نیز در این زمینه وجود ندارد.

نمودار شماره (۵) مقایسه تطبیقی شاخص مؤلفه محیطی ایران با سایر گروه کشورهای جهان از بعد درآمد



در این میان شاید تحت فشار قرار گرفتن اعتبار دولت در تمامی این دوران چه در دوران ۸ ساله جنگ تحمیلی و چه در دوران کاهش درآمدهای دولتی ناشی از فشار کاهش قیمت نفت، بیش از دیگر عوامل، بر افت شاخص مؤلفه محیطی از نظر فعالان اقتصادی تأثیر گذار بوده است.

میانگین شاخص مؤلفه محیط اقتصادی در بین گروه های مختلف درآمدهای جهان مؤید آن است که اولاً انتخاب ترکیب اجزای این شاخص منطقی بوده و ثانیاً بر واقعیت های اقتصادی انطباق دارد.

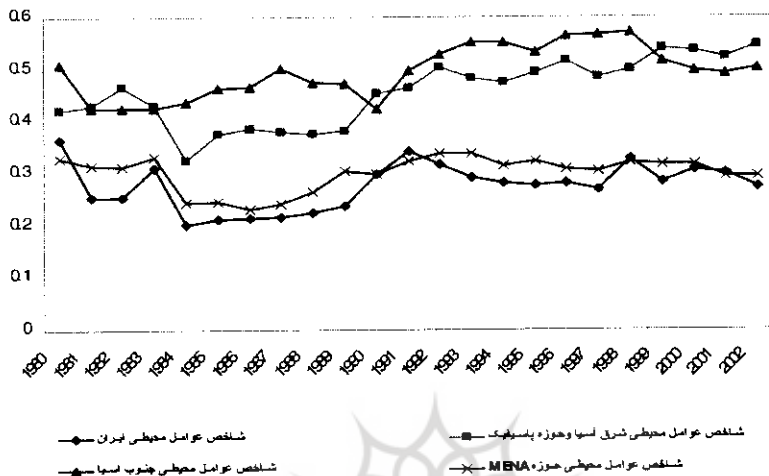
چنان‌که در نمودار شماره (۵) مشاهده می‌شود، در طی ۲۳ سال گذشته تمامی کشورهای جهان به دنبال اصلاح ساختار محیط فعالیت‌های اقتصادی خود بوده‌اند، این مسأله از نظر ترتیب کشورهای کم‌درآمد و کمتر توسعه یافته تا کشورهای پردرآمد توسعه یافته، کاملاً منطقی است و در این خصوص همچنان کشورهای پردرآمد OECD در بالاترین سطح قرار دارند. بهبود وضعیت شاخص مؤلفه محیطی، در این نمودار کاملاً با روند توسعه یافتگی کشورها سازگاری دارد. به عبارت دیگر این نمودار نشان می‌دهد که هرچه کشوری از نظر درجه توسعه یافتگی بالاتر باشد از شرایط محیطی مناسب‌تری برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی برخوردار است. از طرف دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که لازمه بهبود وضعیت اقتصادی، ایجاد تغییرات ساختاری در محیط فعالیت‌های اقتصادی و بهبود این دسته از مؤلفه محیطی است.

از نظر حوزه جغرافیایی، تحلیل ارزیابی تطبیقی شاخص مؤلفه اقتصادی کمی پیچیده‌تر است. مقایسه تطبیقی شاخص مؤلفه محیط اقتصادی ایران با میانگین این شاخص در حوزه‌های جغرافیایی مختلف در نمودار شماره (۶) نشان داده شده است. به هر حال میانگین شاخص مؤلفه محیط اقتصادی کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی از سایر نقاط جغرافیایی همچنان بالاتر است.

در این طبقه بندی شاخص مؤلفه محیط اقتصادی ایران هر چند کمتر، اما بسیار به میانگین این شاخص برای حوزه MENA نزدیک است. و تا حدی از آن تبعیت می‌نماید. این امر شاید به دلیل نزدیکی ساختارهای اقتصادی اجتماعی این حوزه تمدنی به یکدیگر باشد. اما چنان‌که قبلاً نیز گفته شد به دلیل تأثیر پذیری شاخص نماینده اعتبار دولت (ICRG) از تغییرات درآمد نفتی که منجر به تغییرات زیاد در حوزه سیاستگذاری دولت‌های نفتی در این منطقه جغرافیایی شده است، میانگین این شاخص برای منطقه "منا" در سطح نازل‌تری نسبت به سایر مناطق آسیا و اروپا، قرار گرفته است.

نمودار شماره (۶) مقایسه تطبیقی شاخص مؤلفه محیط اقتصادی ایران با میانگین این شاخص در

حوزه های جغرافیایی دیگر



در کشورهای حوزه شرق آسیا پاسیفیک و جنوب آسیا، هر چند که روند این شاخص به صورت صعودی می باشد اما از اغتشاشی زیاد و حتی تداخل برخوردار است. دلیل این امر آن است که این شاخص عمدتاً در طبقه بندی گروه‌های درآمدی توجیه منطقی می یابد و از آنجا که در گروه‌های جغرافیایی طیف مختلفی از کشورهای با درآمد متفاوت وجود دارد، مشاهده چنین نوساناتی کاملاً طبیعی است. با این وجود باید به این نکته توجه نمود که صعودی بودن روند کلی این شاخص در این دو حوزه مؤید توجه اکید کشورهای این مناطق به بهبود فضای فعالیت اقتصادی بوده است. اما به هر حال فاصله شاخص مؤلفه محیط اقتصادی ایران و کشورهای حوزه "منا" با حوزه آسیای جنوبی و شرقی و پاسیفیک قابل توجه است.

ب - تحلیل مقایسه ای شاخص مؤلفه اقتصادی ایران و جهان

در نمودار شماره (۷) شاخص مؤلفه اقتصادی ایران در مقایسه با میانگین همین شاخص در بین گروه‌های درآمدی مشاهده می شود. به استثنای دوران جنگ که شاخص مؤلفه اقتصادی ایران حتی از گروه کشورهای کم درآمد نیز ضعیف تر است، در بقیه دوره ها، حتی از متوسط این شاخص برای کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، نیز بالاتر است. این امر نشانگر پتانسیل مناسب رشد اقتصادی ایران است که با مدیریت مناسب می تواند به سرعت زمینه توسعه یافتگی کشور را فراهم آورد. این شاخص به ویژه در سال‌های نیمه عمر برنامه اول و تا

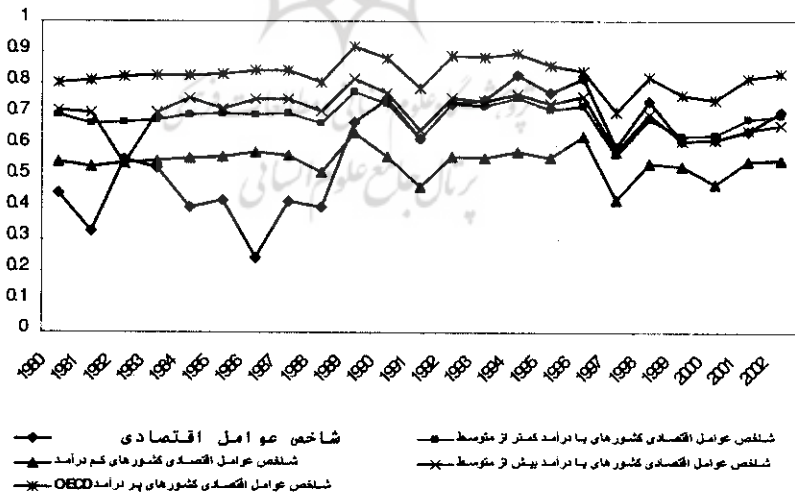
اوایل دوره برنامه دوم (۱۹۹۶-۱۹۹۲)، دارای روند صعودی است. این که آیا سیاست‌های تعدیل اقتصادی موجب چنین ارتقایی در شاخص مؤلفه اقتصادی نسبت به سایر کشورهای جهان شده، یا این که استقراض خارجی برای بازسازی اقتصادی باعث رشد این شاخص گردیده، از جمله سئوالاتی هستند که باید در یک تحقیق مجزا به آن پرداخته شود. با این وجود پتانسیل ایجاد شده در طی این دوره باعث شده است که در دوره های بعدی که حتی قیمت های جهانی نفت در نازل ترین سطح خود قرار می گیرد، همچنان شاخص مؤلفه اقتصادی ایران در حدود کشورهای با درآمد بیش از متوسط، حفظ گردد.

چنان که از نمودار شماره (۷) مشاهده می شود میانگین شاخص مؤلفه اقتصادی کشورهای پر درآمد OECD در طی دوره مورد بررسی همچنان در بالاترین سطح نسبت به سایر گروه های درآمدی جهان قرار دارد.

تحلیل مقایسه ای شاخص مؤلفه اقتصادی ایران با سایر کشورهای جهان در قالب تقسیم بندی جغرافیایی با توجه به بروز اغتشاش تنوع درآمدی کشورها در محدوده های جغرافیایی، بسیار مشکل است. اما مجدداً تنزل بارز شاخص مؤلفه اقتصادی ایران نسبت به میانگین همین شاخص در دوران ۸ ساله جنگ تحمیلی، در نمودار شماره (۷) قابل مشاهده است.

نمودار شماره (۷) شاخص مؤلفه اقتصادی ایران در مقایسه با میانگین همین شاخص در بین سایر گروه

کشورها بر حسب طبقه در آمدی



□ پیشنهادها:

الف- پایین بودن سطح شاخص عوامل محیطی امنیت اقتصادی، بر مبنای شاخص های استاندارد جهان، هشدار برای سیاستگذاران کلان کشور نسبت به تلاش برای ارائه تصویری مطلوب از جمهوری اسلامی به جهانیان، می باشد. هر چند که به اعتقاد بسیاری، رعایت آزادی های شهروندی و حقوق سیاسی در داخل کشور در حد بالای استاندارد است اما نظام تبلیغاتی کشور در القای این منظور به جهانیان، موفق عمل ننموده است که در این راستا باید به طور جدی وارد عمل شد.

ب- آنچه که بیش از همه باید مورد تأکید قرار گیرد، تبعیت نسبتاً قابل توجه روند شاخص محیط اقتصادی ایران از میانگین این شاخص در بین کشورهای هم گروه آن، یعنی کشورهای با درآمد کمتر از متوسط است. به هر حال تحلیل مقایسه ای این شاخص نشان دهنده یک اصل کلی در اقتصاد توسعه است، و آن این که ضرورت توسعه یافتن کشور، اصلاح محیط اقتصادی متناسب برای رشد است و این امر باید سر لوجه هر گونه سیاستگذاری وقانون گذاری منطقی برای آینده کشور و پرهیز از هر گونه احساس گرایی و عوام زدگی در سیاستگذاری های کلان کشور باشد.

پ- هر چند که به نظر می آید فاصله شاخص مؤلفه اقتصادی کشورهای پیر در آمد، از گروه های با درآمد بیش از متوسط جهان و ایران چندان زیاد نیست، اما نزدیک شدن به شاخص این کشورها به ویژه برای اقتصادهایی نظیر ایران، نیاز به تلاش و مدیریت جدی شاخص های کلان اقتصادی به ویژه با توجه به اهداف کلان چشم انداز ملی دارد.

ت- چنان که گفته شد شاخص مؤلفه اقتصادی ایران در سال های (۲۰۰۲-۱۹۹۹) نسبت به میانگین این شاخص در حوزه "ما" کاهش یافته است. اما از آنجا که نیل به قدرت اول اقتصادی منطقه یکی از مهم ترین اهداف چشم انداز ملی است لازم است که با ایجاد عزم ملی، هماهنگی در برنامه های میان مدت و تعهد در رعایت آنها از طرف سیاستگذاران در سال های آینده این شاخص را حتی به بالاتر از کشورهای منطقه ارتقا داد. بنابر این ایجاد یک نهاد فرا ملی نظارت راهبردی بر اجرای برنامه ها باید به طور جدی و فوری در دستور کار مدیریت کلان کشور قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- پور سید، بهزاد، امنیت اقتصادی در بعد سرمایه گذاری خارجی، مجموعه مقالات همایش راه کارهای توسعه امنیت اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران ۱۳۸۲.
- ۲- چینی، حبیب، امکانات، محدودیت ها، فرصت ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات همایش راه کارهای توسعه امنیت اقتصادی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران ۱۳۸۲.

- 3- Clark A. Murdock. "Economic factors as objects of security: Economics, Security, and Vulnerability," in Klaus Knorr & Frank N. Trager, eds., Economics issues and National Security (Lawrence: Regents press of Kansas, 1977), and Richard Rosecrance, "Trade and Power," in Betts, Conflict After the cold war, 237.
- 4- Michael Fabricius "The Impact Of Economic Security On Bank Deposits and Investment" IMF, working paper, 1998.
- 5- Robert Gilpin, The political economy of international relations (New York: Council on foreign relations press. 1993).
- 6- Theodore H. Moran, American economic policy and national relations (Princeton, NJ: Princeton university press, 1987).
- 7- Robert B. Reich, The work of nations (New York: Vintage books, 1992).
- 8- Thurow, Head to Head

۹- رابرت ماندل، "چهره متغیر امنیت ملی"، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: ۱۳۷۷.

۱۰- فون هایک، فردریش؛ در سنگر آزادی، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات لوح فکر، تهران: ۱۳۸۲.

۱۱- فریدمن، میلتون؛ سرمایه داری و آزادی، ترجمه غلامرضا رشیدی، نشر نی، تهران: ۱۳۸۰.

۱۲- working paper شماره 98/4/wp تحت عنوان امنیت اقتصادی، سرمایه گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، نوشته: «هلن پویرسون و دیوید تی. کو» صندوق بین المللی پول، ۱۹۹۸.

۱۳- حسین زاده، برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.



۱۴- اصغریور، محمد جواد، تصمیم گیری های چند معیاره، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

دوم ۱۳۸۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

